



صائب تبریزی « دیوان اشعار » غزلیات « غزل شماره ۱۸۱

تخته مشقِ حوادثِ کرد همواری مرا	باعثِ آزار شد ترکِ دل آزاری مرا	۱
شب ز شکر خواب باشد خطّ بیزاری مرا	روز روشن می کند کار نمک در دیده ام	۲
روی خندان می کند چون گل سپرداری مرا	گر به خونم هر سر خاری کمر بندد چو تیغ	۳
چون یتیمان نیست بیم از خطّ بیزاری مرا	نیستم مقبول تا مردودِ خاطرها شوم	۴
حیف از اوقاتی که شد ضایع به هشیاری مرا	آنچه من در بیخودی و می پرستی یافتم	۵
بی خودی آزاد کرد از قید خودداری مرا	داشت خودداری مرا یک چند در قید فرنگ	۶
نیست زین خوابِ گران امیدِ بیداری مرا	صائب از پند و نصیحتِ غفلتِ من بیش شد	۷

صائب تبریزی « دیوان اشعار » غزلیات « غزل شماره ۱۸۲

از پی تغییرِ بالین است بیداری مرا	جلوه برقی است در میخانه هشیاری مرا	۱
می دهد رطلِ گران از غم سبکباری مرا	چون فلاخن کز وصالِ سنگ دست افشان شود	۲
همچو طوطی لوحِ تعلیم است همواری مرا	تا نیابم در سخن میدان، نمی آیم به حرف	۳
راحتِ منزل بود از نرم رفتاری مرا	نیست چون ریگ، روانم در سفر و اماندگی	۴
نیست بر خاطر غبار از چرخ زنگاری مرا	بس که چون آینه دیدم از جهان نادیدنی	۵
می کند چون تیغ، عریانی سپرداری مرا	مردِ بی برگ و نوا را کاروان در کار نیست	۶
هر که چون یوسف کند ز اخوان خریداری مرا	گوسفندی از دهانِ گرگ می آرد برون	۷
شمع بالین می شود انگشتِ زنهاری مرا	بس که می سوزد دلش بر بی قراری های من	۸
می کند عشق از غم عالم نگهداری مرا	نیست غم از تیرباران جوشنِ داود را	۹
روسفیدی هاست حاصل از سیه کاری مرا	نسبتِ من با گنه، آینه و خاکسترست	۱۰
همچو یوسف می فزاید عزّت از خواری مرا	نیست صائب چاه و زندان بر دلِ من ناگوار	۱۱

وزن: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (رمل مثنی محذوف)

منابع:

* وبسایت گنجور:

<https://ganjoor.net/saeb>

* کتاب دیوان صائب تبریزی - جلد اول - به کوشش محمد قهرمان

شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۶۴



خانقاه خاکسار جلالی مطهری
Khaksar Khanqah

تنظیم و ارائه: وبسایت خانقاه خاکسار مطهریه